

با یاد بیدار

مهرداد یلفانی

دوست، همراه، همکار و همدل گرامی و فرزانه ما، محسن یلفانی، در سوگ سنگین فرزند خود، مهرداد، نشسته است. مهرداد که جهانی آکنده از مهر و امید و آرزو و تلاش و کوشش بود، خستگی و پیوستگی زندگی را به کناری نهاد و به خاموشی و آرامش پایدار پیوست.

مرگ هر عزیز و دلبسته و دلبندی آغازگر اندوه و ماتمی دیرپا و آرام ناپذیر است. در واقعیت پر ارج و درد تبعید و مهاجرت، هر مرگ و خاصه مرگ فرزند دردناکترین و تسلاناپذیرترین و پایدارترین دردها و سوگها و ماتمهاست. یاد بیدار مهرداد همواره در میان خویشان و بستگان و دوستان گرامی و پایدار خواهد ماند.

در بیان همدردی درین سوگ و مصیبت بزرگ و همراه با صمیمانه ترین مراتب تسلیت به مادر، پدر، خواهر و دیگر بستگان و نزدیکان مهرداد یلفانی.

بنفشه آذر کلاه، هومن آذر کلاه، رسول آذرنوش، سیروس آرین پور، نعمت آزر، بهجت آشوری، داریوش آشوری، تقی آق نیا، گیل آوائی، ابراهیم آوخ، مهدی ابراهیم زاده، مهدی استعدادی شاد، جمشید اسدی، تورج اتابکی، مستوره احمد زاده، بانو اسکندانی، پویان اسکندانی، قادر اسکندانی، مریم اشرافی، ناصر اعتمادی، محمد اعظمی، رضا اغنمی، محمد افراسیابی، حمید اکبری، بابک اکبری فراهانی، رضا اکرمی، بهمن امینی، منصور انصاری، جلال ایجادی، اصغر ایزدی، شیده ایزدی، کاظم ایزدی، م. ایل بیگی، مهرداد بابا علی، حمید باقری، مسعود بحرینی، عباس بختیاری، منیره برادران، رضا براهنی، علی برزویی، محمد برقعی، یدالله بلدی، فیروزه بنی صدر، سوسن بهاری، رضا بی شتاب، روشنگر پاکدامن، ناصر پاکدامن، مهران پاینده، ژینوس پزشکی، احمدپورمندی، اکرم پورمهینی، اکبر پویانفر، زری تأثریان، تقی تام، منیژه تام، رحمت توکل، فریبا ثابت، حمیدرضا جاودان، اقدس جاویدی، سیروس جاویدی، لادن جاویدی، نصرالله جاویدی، مهدی جباری، ناهید جعفرپور، حسن جعفری، عاطفه جعفری، علی جلال، محمد جلالی، فریده جلالی، فرشید جمالی، فردوس جمشیدی رودباری، جواد جواهری، ژاله چگنی، شهرزاد چگنی، علی اصغر حاج سید جوادی، سروش حبیبی، فرنگیس حبیبی، علی حجت، حسن حسام، محسن حسام، بهروز حشمت، تراب حق شناس، مرتضی حقیقت، بیژن حکمت، حمید حمیدی، نقی حمیدیان، ایرج

حیدری، نسیم خاکسار، مهدی خانبا با تهرانی، اسماعیل ختائی، اصغر
خرسند، هادی خرسندی، بهروز خسروی، رضا خسروی، محسن خوشبین، آذر
خونانی، اسماعیل خوئی، مرضیه دانش،
رضا دانشور، بهروز داوودی، آرتا داوری، آذر درخشان، رضا دقتی،
حسین دولت آبادی، فیروزه راد، منوچهر رادین، محمود راسخ، مرتضی
رافعی، ناصر رحمانی نژاد، ناصر رحیم خانی، بیژن رستگار، علی
رضوی، فرهمند رکنی، صادق رنجبران، میهن روستا، علی رهنما، آرش
ریاحی، پروین ریاحی، حبیب ریاحی، ناصر زراعتی، مجید زربخش، فخری
زرشکه، ایران زندیه، رضوان زندیه، حمید زنگنه، حسن سازور، منوچهر
سالکی، زهره ستوده، نرگس سرائی، اکبر سردوزامی، شهزاد سرمدی،
هوشنگ سروری، بیژن سعید پور، هدایت سلطان زاده، شہلا سلطانی، اکبر
سوری، بهمن سیاووشان، احمد سیف، اسد سیف، اکبر سیف، خسرو شاکری،
علی شاکری، محمدرضا شالگونی، محمدرضا شاهی، سعید شروینی، شہلا
شفیق، حماد شیبانی، اصغر شیرازی، بانو صابری، الهه صدر، علی صراف
زاده، نبی صمیمی، فرزانه ضیا فتحی، علی طلوع، شبنم طلوعی، بهروز
عارفی، مجید عبدالرحیم پور، بتول عزیزپور، نادر عصاره، فرزانه
عظیمی، رضا علامه زاده، حمید غلامی صبا، سپیده فارسی، کامبیز
فاروقی، مهدی فتاپور، مسعود فتحی، حسن فخاری، بهروز فراهانی،
عبدالعلی فرزام، عباس فرد، مسعود فروزش راد، ملیحه فرهنگ، فرهنگ
قاسمی، وجیه الله قاسمی، قدسی قاضی نور، فیروز قریشی، باقر
قلیایی، پرویز قلیچ خانی، شہرام قنبری، هایده قهرمانی، کیان
کاتوزیان، داریوش کارگر، مقصود کاسبی، فرشین کاظمی نیا، اصغر
کاوند، مهشید کبیری، کاظم کردوانی، بهزاد کریمی، علی کریمی، احمد
کریمی حکاک، سیروس کسرائیان، حجت کسرائیان، امیر هوشنگ کشاورز
صدر، بهاره کشاورز، زریون کشاورز، مازیار کشاورز، بهزاد کشاورزی،
رئوف کعبی، منصور کوشان، اکرم کوهساری مرنند، عبدالکریم لاهیجی،
شہاب لبیب، فاطمه لنگرودی، حسن ماسالی، مہری مالک، مہناز متین،
مریم متین دفتری، هدایت متین دفتری، عطا محسنی، زرغام محمودی،
پرویز مختاری، علی مختاری، مصطفی مدنی، باقر مرتضوی، رضا مرزبان،
فریبا مرزبان، منیژه مرعشی، مہران مصطفوی، محمد معتدل، بهروز
معظمی، رضا مقصدی، ابراهیم مکی، مسعود ملازاده، سعید منافی، محمد
منتظری، اسفندیار منفردزاده، امیر مومبینی، باقر مؤمنی، ناصر
مہاجر، جمشید مہر، اردشیر مہرداد، انور میرستاری، حسن نادری، رضا
ناصحی، ناهید ناظمی، شیدا نبوی، مہوش نجفی، علی ندیمی، زهره
نژند، تینوش نظم جو، حمید نعیمی، شہین نوائی، داوود نوائیان،
حمید نوذری، پرویز نویدی، شیدان وثیق، عباس هاشمی، شہلا ہوشیار،
فاطمہ یورچی، ناصر یوسفی.

در سوگِ سرو

یکشنبه ۱۹ دی ۱۳۸۹ - ۹ ژانویه ۲۰۱۱
محسن یلفانی، نویسنده و نمایشنامه نویس گرانقدر، این روزها سوگوار مرگ ناگهانی فرزند خویش است. مهرداد، 24 سال پیش، در تبعید زاده شد. از کودکی با شوری وصف ناپذیر به آموختن پیانو و موسیقی روی آورد و بزودی در میان همدرسان خود در موسیقی کلاسیک سرآمد شد. دلبستگی‌ها و جستجوهایش در این زمینه در سالهای اخیر، او را به عرصه‌های مدرنِ موسیقی کشاند.

همچنان کسانی که مهرداد را از نزدیک دیده یا شناخته بودند، یادِ دلپذیر لبخندهای شیرین و متانت و ادبِ فروتنانه او را در خاطر نگه داشته‌اند. اما پشت آن لبخندهای پاک، روح سرگشته و پرسشگر او، آوار تیرگی‌های این جهان را تاب نیاورد و به ناگاه، جانِ جوان خود را به روشنی‌های صبح سپرد و هم‌ما را در اندوه و ماتمی بی پایان فرو برد.

در سوگ او و به نشانه همدردی با پدر، مادر داغدارش نیلوفر و خواهرش یلدا، شامگاه شنبه 25 دی ماه 1389، 15 ژانویه 2011، در مجلس یادبودی در پاریس گرد هم خواهیم آمد.

نعمت آزر، ناصر پاکدامن، اکرم پورمهینی، اکبر پویانفر، حمیدرضا جاودان، محمد جلالی چیمه (م.سحر)، علی اصغر حاج سید جواد، حسن حسام، حسین دولت آبادی، صادق رنجبران، زهره ستوده، شهزاد سردی، حماد شیبانی، شهرام قنبری، کیان کاتوزیان، مهشید کبیری، امیر هسنگ کشاورز صدر، زریون کشاورز، مریم متین دفتری، هدایت متین دفتری، رضا مرزبان، ابراهیم مکی، باقر مؤمنی، تینوش نظم جو، شیدا نبوی.

نشانی : AGECA, 177 rue de Charonne, Paris 11

7 تا 9 شب

تسلیت

جمهوریخواهان دمکرات و لائیک ایران واحد شهری ماینس
در گذشت خانم نسرین جعفرپور خواهر همراه دوست و رفیق ما
ناهد جعفر پور را صمیمانه به ایشان و خانواده جعفر پور تسلیت
گفته
و خود را شریک غم، درد و رنج آنها میدانیم.

صبوری - بیات - ناصری - خلیلی 30.10.2010

گزارش نشست میان دوره ای جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک

[متن گزارش](#)

شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

ترازنامه یکساله و چشم انداز "جنبش سبز" و نقش جمهوری خواهان
دمکرات و لائیک ایران

سخنرانی اصغر اسلامی و مهرداد درویش پور و بحث آزاد در پالتاک

در آستانه سالگرد خیزش میلیونی مردم ایران علیه "کودتای
انتخاباتی" و نظام حاکم در ایران، پرسشی که ذهن همگان و از جمله
جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران را به آن مشغول کرده است این
است که آیا این جنبش در آستانه سالگرد آن فروکش کرده است و یا در

اعماق جامعه ریشه دوانده و با برآمدی نوین روبرو است؟

فرایند این جنبش، نقاط ضعف و قدرت و چشم انداز آن و جایگاه نیروهای جمهوری خواه، دمکرات، سکولار و لائیک در آن کدام است. آیا "جنبش سبز" زائیده رفرماسیون دینی و فرایند جنبش اصلاح طلبی دینی در ایران است یا جنبشی در عمق و دامنه خود دمکراتیک و سکولار است که علیه استبداد دینی و نظام حاکم برخاسته است؟

خواست های دمکراسی و جدایی دین و دولت در کجای این جنبش حضور دارد؟ آیا این جنبش تنها می بایست بر خواست های همگانی نظیر "رای من کجا است" و حقوق شهروندی استوار باشد و یا مطالبات ویژه گروه های اجتماعی را نیز نظیر زنان، دانشجویان، کارگران و گروه های اتنیک را در بر گیرد و یا از آن فراتر برچیدن کل نظام را هدف خود قرار دهد؟ آیا این جنبش از بافتی انقلابی برخوردار است و یا اصلاح طلبانه و یا محصول رویکرد سومی برای تحقق دمکراسی در ایران از طریق نافرمانی مدنی و جنبش تحول طلبی است؟ در این صورت شعار محوری آن چیست؟ نقش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک در آن تا کنون چه بوده است و چه گونه می توان همکاری بین نیروهای جمهوری خواه، دمکرات و خواستار جدایی دین و دولت را تقویت کرد؟ موضع ما در برابر دیگر نیروهای اپوزیسیون و همچنین اصلاح طلبان دینی چه باید باشد؟ سخنرانان و همراهان در این گفتگو به طرح و بررسی پرسش های فوق می پردازند.

برگزارکننده: شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

یکشنبه ۳۰ ماه می ساعت ۱۹ و ۳۰ دقیقه

مکان: اتاق Middle east, iran, jomhurikhan demokrat wa laik

اتاق پالتاکی ضد تبعیض

گرایش ضد تبعیض - جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران
چهارشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۸۹ - ۷ آوریل ۲۰۱۰

موضوع : پیرامون جنبش زنان در ایران

آغاز گر بحث جمعی گفتگوی

مهری زند از فعالین جنبش زنان با
محسن مقصودی عضو شورای هماهنگی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک
ایران

زمان: پنج شنبه 8 آپریل 2010 – 18 فروردین ماه 1389

ساعت 20 به وقت اروپای مرکزی

آدرس اتاق: Pal talk Rooms – Chat Rooms – Iran zede Tabiiz
از هموطنان و همراهانی که تمایل دارند در سلسله گفتگوهای ضد
تبعیض شرکت جویند، دعوت می شود که با آدرس zedetabiiz@gmail.com
تماس حاصل نمایند.

www.zedetabiiz.blogfa.com

به مناسبت چهارمین همایش اتحاد جمهوری خواهان ایران

گرایش ضد تبعیض – جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

با درود به تمامی آزادی خواهان و مبارزان راه دمکراسی که در
درازای تاریخ معاصر ایران برای حق رای مردم و حاکمیت جمهورمردم
تا پای جان ایستاده اند و با تحمل زندان و شکنجه و سربلند برچوبه
های دار سه رژیم دیکتاتوری قاجار، پهلوی و ولایت فقیه (جمهوری
اسلامی)، هیچگاه نگذاشته اند تا شعله امید و آتش عشق به آزادی و
برابری در دل مردمان سرزمین ما سرد و خاموش شود.

همایش چهارم اتحاد جمهوری خواهان ایران در گرماگرم نبرد زنان،
جوانان ، کارگران، کشاورزان، زحمتکشان، روشنفکران، آزاد اندیشان و
تمامی کسانی که به توسعه و پیشرفت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
ایران می اندیشند با رژیمی سرکوبگر ، انحصارطلب، ناکارآمد و
سراپا غرق در فساد و دروغ که هیچ نظارت و کنترل مردمی را بر نمی

تا بد، برگزار می گردد از این رو پژوهاک واقع گرایانه وانگیزاننده صدای مردم علیه دیکتاتوری حاکم در این همایش، بسهم خود می تواند گرما بخش جان های شوریده هزاران زندانی و فعالان سیاسی و باورمندان به برابری حقوق شهروندان باشد.

راه درازی که از سلول های سرد و تاریک و میدان های تیرباران تا صحن دانشگاه ها و کارخانه ها و صد ها و هزاران گردهمائی و تظاهرات تحصن در داخل و خارج از کشور و اینک در خیابان های پراالتهاب و مملو از جمعیت معترض تهران با فداکاری و جانفشانی میلیون ها تن از پیشگامان آزادی طی شده است، مقصد، هدف، آرمان، کعبه آمال و آرزو و خواست های مشخص و روشنی را در دستور روز قرار داده است :

* آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی،
* متوقف ساختن فوری اعدام، تعزیر و شکنجه به پیروی از اندیشه های ایرانی مبنی بر مروت و مدارا؛

* صلح خواهی و دوری گزینی از تروریسم، جنگ طلبی و دستیابی به سلاح های هسته ای و کشتار جمعی؛

* دفاع از استقلال و منافع ملی کشور و در پی گرفتن سیاست همزیستی مسالمت آمیز با همسایگان ایران و تمامی کشورهای جهان؛

* برخوردار شدن جامعه از آزادی ها و حقوق مدون در منشور جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد؛

* نفی و طرد مسالمت آمیز و بدور از خشونت دیکتاتوری حاکم با شیوه های مبارزه سرپیچی مدنی؛

* پذیرش کثرت گرائی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، هنری و ورزشی؛

* آزادی برای اتحادیه ها و سندیکاهای زحمتکشان و نهادهای مدنی و مردم بنیاد در کشور؛

* تفکیک دو نهاد دین و حکومت از یکدیگر و لزوم دمکراتیزه شدن ساختارهای هر دو این نهادها؛

* برداشتن موانع مشارکت مردم در اداره امور کشور و در درجه نخست برگزاری انتخابات آزاد بدور از نظارت استصوابی و دستبردهای شورای نگهبان و ارگان های نظامی و انتظامی و شمارش درست رای مستقیم و مخفی مردم با نظارت نمایندگان احزاب، سازمان های سیاسی و نهادهای مردمی؛

* آزادی رسانه های خبری و آزادی بیان و تحلیل دروسائل ارتباط جمعی؛

* نفی هر گونه تبعیض قانونی، جنسی، مذهبی، ملی - مردمی و ایدئولوژیک در جامعه؛

* برقراری یک نظام قضائی و حقوقی عادلانه شهروندی بمثابه زیربنای

امنیت اجتماعی.

این فهرست کوتاهی از حداقل خواست ها و مطالبات امروز مردم ایران است که در برنامه های جمهوری خواهان گنجانده شده است و می تواند کارپایه مبارزه مشترک همه جمهوری خواهان قرار گیرد. رسیدن باین اهداف بستگی به عزم و اراده و آگاهی ما و در پشتیبانی از آنانیکه مشعل فروزان آزادیخواهی را بدست دارند، میسر میباشد. شانه خالی کردن از مبارزه اصولی در این مقطع حساس از زمان کاریست علیه منافع مردم. تقلیل گرائی، تعدیل و عدم پافشاری بر این حداقل مطالبات و خواست ها به اتحاد اپوزیسیون دمکرات و جمهوری خواه لطمه می زند، جنبش سبزمعترض به نتایج "انتخابات" اخیر ریاست جمهوری رژیم را بی برنامه و در نتیجه بی آینده می سازد و راه سبز امید آقای موسوی را در این توهم غرق می کند که " مردم برای بازگشت به شعارهای سه دهه قبل در خیابان ها به اعتراض برآمده اند".

همانگونه که سیاست " انتخاب بد بجای بدتر" به سرانجامی نرسید، بی توجهی به برنامه های جمهوری خواهان و نادیده گرفتن بخشی از مواضع ارتجاعی و بزرگ نمائی برخی مواضع معتدل و تدوین " خط سبزموسوی" به تقلید از "خط امام"، خطوط سیاسی را به هم می ریزد و بجزکدرساختن سیاست، سیاستی که چکیده تجربه ده ها سال مبارزه است - وعقب گرد به گذشته و نقد حاکمیت از مواضع ارتجاعی، نتیجه ای ببار نخواهد آورد.

صد ها اعتراض و هزاران مورد مقابله روزمره با افکار و سیاست های پوچ و خرافی دستگاه های تبلیغاتی - فکری و ارتجاعی رژیم که همچون جویباری به یکباره سیل خروشان جنبش حق رای و انتخابات آزاد را در کشور جاری ساخت که همچنان ادامه دارد، بر انقلاب فنی و ارتباطاتی دوده اخیر تکیه دارد. این همگامی مردم با فنون و ابزار نوین ارتباطات، درعرصه سیاست و راهکارهای اداره جامعه نیز، می بایست به مدرن ترین، مترقی ترین و دمکرات ترین افکار بشری پیوند بخورد. وظیفه بزرگ جمهوری خواهان ایجاد، گسترش و تحکیم این پیوند و حرکت بسوی آینده ای شفاف و روشن است.

تدوین و تبلیغ برنامه وهدف شفاف و روشن مردم را برای کسب آزادی وجدان و مبارزه با تبعیض مجهز می کند. دنباله روی از حوادث و وقایع، منجر به سرگردانی می شود. امروز نگاه های مستقل که دنبال اعتماد، آگاهی و آزادی مردم اند به شعار استقلال، آزادی، جمهوری ایران دوخته شده است.

سایه روشن های سیاسی در بحث همراهان جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

محسن مقصودی

یکشنبه 13 سپتامبر، فرصتی پیش آمد تا در نشست پالتاکی جنبش، برخی از همراهان به ابراز نظر در مورد مسائل سیاسی جاری و حاد کشورمان پردازند و یا حداقل ابهامات شان را در قالب سئوالاتی بیان کنند. این نشست مفید آن قدر بود تا در انتهای این گردهمآئی مجازی اکثریت همراهان به این گزینه برسند که می بایست این گفتگوها برای درک و فهم روند های سیاسی در کشورمان و پیرآمون آن، ادامه یابد.

مهمترین موضوعی که به جوانبی از آن پرداخته شد گسترده ترین اعتراضات مردم ایران به تقلب های سنگین انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و قیام میلیونی مردم علیه دیکتاتوری حاکم بر کشور بود.

درمباحث این نشست سه موضع برجسته بود. اولین نظری که مطرح شد تاکید داشت از آنجا که بیانیه های جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک مسئله عبور از جمهوری اسلامی را مطرح می کنند، جنبش و فعالان آن تنها می توانند با کسانی و یا جریاناتی که در این لحظه تنها بر شعار سرنگونی تکیه دارند همکاری کنند و باید از کل آنچه که جنبش سبز نام گرفته فاصله بگیرند. این نظر بر آن است که فعالان جنبش جمهوری خواهی که خود را زیر پرچم سبز تعریف می کنند، با توجه به مواضع آقای موسوی و اصراروی بر اسلامی بودن حرکت و آرمان اسلام ناب محمدی، دچار تناقض هستند و عملاً روی دو صندلی نشسته اند.

موضع دومی که برخی از همراهان اگرچه با طرح سوال و یا بطور غیر مستقیم و غیر شفاف بیان کردند بر این نظرات استوار بود که جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک موضع سیاسی خاصی ندارد و یا نتوانسته این مواضع را اتخاذ کند و در صحنه سیاسی کشور موضع گم و گنگی دارد. نباید این جنبش سبز را برای منزه ماندن با تحقیر نگاه کنیم و می توانیم در آن حضور موثر داشته باشیم. ما از این تحول بزرگی که در جامعه اتفاق افتاده تا حد مطلوبی درس نگرفته ایم و در داشتن استعداد درس گرفتن از آن هم شک هست.

در کنار این دو نظر، بیشتر سخن گویان در نشست پالتاکی بر نکاتی اشاره کردند که در صورت تدقیق آن ها می توانند بیان کننده موضع عمومی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک باشد. رئوس این نظرات چنین اند:

– جنبشی که در ماه های اخیر حول مسئله آزادی انتخابات و اعتراض به تقلبات و دیکتاتوری “ولی فقیه” بوجود آمده است در راستای تلاش بزرگ مردم کشورمان برای دستیابی به حقوق شهروندی درسال های بعد از انقلاب است؛

– رژیم جمهوری اسلامی که می خواست مشروعیت خودش را از انتخابات کسب کند، با افشای تقلبات بی کران و اثبات انحصار قدرت، در نزد عموم مردم کشور و جهان، بکلی عاری از مشروعیت و قانونیت شد؛

– شکاف عظیم و عمیقی در داخل حاکمیت و در میان اصلاح طلبان بطور جبران ناپذیری بوجود آمده است که زمینه های بسیار گسترده ای برای فروپاشی رژیم بوجود آورده است؛

– بطور بی سابقه ای توهم و فکر سازگاری اسلام سیاسی با مرم سالاری که در ذهن بسیاری از اصلاح طلبان وجود داشت فرو ریخته ، راه برای تفکر سکولار و لاییک گشوده شده است. از این رو می توان بحث های نظری مبنی بر ضرورت جدائی دین از حکومت را گسترش و ژرفا داد؛

– گستره جنبش اعتراض مردم آنقدر بزرگ است که هر شخص با آرمان های آزادی خواهی می تواند خود را درون این جنبش ببیند. بنابراین می توان به ائتلاف های جدید دست یافت.

ما از این جنبش دفاع می کنیم و بر مبنای مضمون مبارزاتی که در طی دهه های گذشته صورت گرفته است، تبلیغ آن را از وظایف خود می دانیم. ولی نباید فراموش نمود که این جنبش تنها به امید سبز آقای

موسوی محدود نیست. ما برحق شهروندی سلب شده هر فرد از جمله آقایان موسوی و یا کروی تاکید می کنیم. اما دفاع از پایوران جنبش سبز امید و اصلاح طلبان نباید به تقلیل گرائی در شعارهای ما بیانجامد. جنبش مردم کشورمان خصلتی گثرت گرا دارد و دارای رهبری واحدی نیست. اشتباه است که جنبش بزرگ آزادی خواهی مردم را که سال هاست به پایداری نهاد های مدنی دانشجویان، کارگران، زنان و احزاب و سازمان ها ادامه داشته است و برای خواست های آزادی و عدالت تا پای جان ایستاده است را با جنبش سبز اصلاح طلبان دینی یکی بنامیم. انحصارگرائی در جنبش آزادی خواهانه مردم ایران و یکدست کردن آن زیر شعارهایی همچون (سبز سبز بودن) یا (جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد) و یا (رهبری پیام محور)، زیان بارند؛

– ولایت مطلقه فقیه آشکارا تبدیل به مرکز و محور ارتجاع شده است. به همین رو است که شعار ”مرگ بر دیکتاتور” به شعار محوری جنبش اعتراضی مردم تبدیل گردیده است. خواست مردم برای تامین حقوق اولیه بشر می تواند مبنائی برای ائتلاف های سیاسی قرار گیرد؛

– پایه های حکومت تا امروز هیچ گاه چنین ضعیف نبوده است. در این شرایط نیروهای سکولار و لایک برای پیش برد جنبش ضد استبداد دینی مردم می بایست نقش موثرتری بعهده بگیرند و در کارزارهای داخل و خارج از کشور، ضد حاکمیت ارتجاع شرکت کنند واز اشکال و شیوه های نوینی که از دل اعتراضات بدرآمده است برای ارتباط بیشتر با توده مردم و برجسته کردن صدای آزادی خواهان لایک ، بهره ببرند.

در مورد فعالیت جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لایک نیز بر پایه این نظرهای سه گانه ، سه دیدگاه مطرح شدند.

دیدگاه اول معتقد است که این طرف جنبش قادر نیست حرکت های اعتراضی مردم را که می بایست رادیکالتر شوند در خود جای دهد و می بایست تنها به سازماندهی آن مجموعه ای پرداخت که در حال حاضر خواهان عبور از کل جمهوری اسلامی است و وظیفه خودش را رادیکالیزه کردن هرچه بیشتر مبارزات مردم می داند.

دیدگاه دیگر ابراز می داشت که بود و نبود جنبش در کار مبارزه مردم ایران تاثیری ندارد. جنبش را از لحاظ سازمانی عقب مانده با دیدی متفرعانه می داند که باوجود نقدش از تشکل های سنتی ، به همان مسیر می رود. ادامه این وضعیت را انزوای بیشتر جنبش می داند و راه حل را شرکت در شبکه های سبز و تلاش برای به ”گروگان ” گرفتن

موسوی توسط مردم و از این طریق حضور موثر در جنبش ضد استبداد دینی و همگامی با نیروهای اصلاح طلب دینی در جمهوری اسلامی می بیند.

(بی شک کم کاری ها در جنبش در بستر همین باورها ریشه دارد)

دیدگاه سومی که در نشست مطرح گردید بر این واقعیت استوار است که کل جنبش آزادی خواهانه مردم ایران خصلتی کثرت گرا دارد و این امر در مورد جنبش سبز نیز صادق است و فردی نمی تواند منکر آن گردد. از این رو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک که از روز نخست ساختاری غیر متمرکز و کثرت گرا داشته است اتفاقاً مجموعه مناسبی برای تشکل آزاد باورمندان به اصول جمهوری و مردم سالاری و جدائی دین از حکومت می باشد.

آنچه مانع ارتباط جنبش با توده مردم می گردد نه شکل ساختاری آن و یا حتی کمبود امکانات فنی و مادی ، بلکه نبود اراده، انگیزه و نیروی لازم برای آن است. این ضعف می تواند با زدن پلهائی با نیروهای جوان و با انگیزه هائی که از دل جنبش مردم بدرمی آیند برطرف شود. باید به راه و روش های نوین و ابتکاری کار سیاسی مجهز شد. با موج و نسل جدید آزادی طلبان ارتباط محکم برقرار نمود. تنها بر روابط سنتی تکیه نکرد و تفاوت ها را پذیرفت تا بتوان کار مشترک را پیش برد. دیالوگ و گفتگو و کار مشترک را در پیش گرفت و سازمان داد و از این راه ساختارتنوع پذیر جنبش جمهوری خواهی را انکشاف داد. اصول و روش های کار دمکراتیک را در ارتباط با مردم بهبود داد و به تعمیم و تکمیل آن یاری نمود. این روش ها می توانند به انباشت تجربه نهاد های مدنی برای ارائه الگوهای ساخت جامعه مدنی مبتنی بر حقوق شهروندی بسیار مفید واقع شوند.

از این رو تقویت و گسترش جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک در راستای تعمیق و توسعه مبارزه جمعی و دمکراتیک مردم در ایران است.